

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محمد واعظزاده خراسانی

## بازدید از چند کشور اسلامی و عربی

یازده ماه مسافرت و بازدید از کشورهای اسلامی ترکیه، لبنان، سوریه، اردن، عربستان سعودی، مصر، الجزایر، مغرب و آثار اسلامی اسپانیا طبعاً توأم با خاطراتی است. گرچه هدف اصلی از طی این راه دورودراز در مدتی نسبتاً طولانی و توقف هفت ماه در قاهره، تحقیق و مطالعه در رشته علوم قرآن و حدیث، کسب اطلاع از نسخ خطی و کتب چاپی و تحقیقات نو در این دورشته و نیز وقوف کامل بر اوضاع واحوال دانشگاهها و مؤسسات اسلامی و تماس با دانشمندان و اساتید بوده است اما خواه ناخواه مشهودات سفر مجموعه ای از خاطرات را دربر دارد که چه بسا دانستن آنها برای دیگران بصیرت و تجربتی همراه داشته باشد. اینک مناسب چنان دید که قسمتی از خاطرات سفر را که بیشتر جنبه اسلامی و رابطه ای با علم و دانش دارد بنگارد و تدریجاً در این مجله نشر دهد.

### آثار اسلامی در کشور ترکیه

روز اول شهریورماه سال گذشته که مصادف با سیزده رجب، سالروز تولد علی علیه السلام بود مشهدراترک گفته عازم تهران شدم و روز هشتم شهریور از

تهران مستقیماً به استانبول رفته مدت سیزده روز در آن شهر اقامت نمودم .  
میدانیم که استانبول بزرگترین شهر ترکیه است و طی چند قرن مرکز  
خلافت عثمانی بوده و بر بخش گسترده‌ای از کشورهای اسلامی حکمرانی می‌کرده  
است .

سلطین عثمانی طی هفت قرن، از تاریخ ۶۸۰ هجری تا سال ۱۳۴۲ برابر  
۱۹۲۴-۱۲۸۱ میلادی ابتداء بنام سلطان و سپس بنام خلیفه حکومت کردند و  
سرانجام پس از جنگ بین‌المللی اول از خارج بدست متفقین و از داخل بتوطئه  
حزب جوانان ترك منقرض شدند . مطابق سندی که مجله کویته العربی ارائه داده  
است انقراض این سلسله فرامتی در راه ایجاد کشور یهودی فلسطین بوده است .  
در این مدت مدید جمعاً چهل و دونفر از این سلسله عنوان خلافت و یا  
سلطنت داشته‌اند .

خلفای عثمانی اصلاً از تیره ترکان غز منشعب میشوند آنان در زمره  
لشکریان سلجوقی از نواحی خراسان به آسیای صغیر آمده و در آنجا حکومتی  
تشکیل دادند و تدریجاً دایره فرمانروائی خود را از یک طرف تا قلب اروپا و مرز  
ایتالیا و از طرف دیگر تا شمال آفریقا و سودان و کلیه کشورهای عربی گسترش  
دادند . عثمان جد اعلای آنان متولد ۶۶۵ بنیادگذار این سلسله است .

سلطان محمد ثانی معروف به سلطان محمد فاتح در سال ۸۵۷ هـ (۱۴۵۳ م)  
قسطنطنیه را فتح کرد با فتح این شهر، که مرکز امپراطوری روم شرقی بود این  
امپراطوری از صفحه روزگار محو شد ، و در حقیقت خلافت عثمانی با گسترشی  
فزونتر و پاشعار اسلام جای‌گزين امپراطوری مسیحی روم شرقی و سلسله‌هایی  
از سلاطین مغول گردید .

استانبول پیش از فتح اسلامی قسطنطنیه نام داشت ، مسلمانان از صدر  
اسلام مکرراً در صدد فتح آن برآمدند ولی موفق نشدند و حتی در عصر خلافت  
معاویه تا کنار دیوار شهر نیز پیش رفتند ، در این جنگ ، ابویوب انصاری صحابی  
معروف که رسول اکرم در آغاز هجرت در منزل وی رحل اقامت افکنده است جزء

لشکریان اسلام بود و در اثناء نبرد درگذشت. وی وصیت کرد جنازه او را پشت دیوار قسطنطنیه دفن کنند چه اینکه رسول اکرم به وی محل دفن او را در آن مکان خبر داده است.

عده‌ای از لشکریان، جنازه ابوایوب را برداشته سعی میکردند هر چه بیشتر به دیوار شهر نزدیک شوند. سپاه روم که عهده‌دار دفاع از حریم شهر بودند پرسیدند شما چه قصد دارید و این چیست که با خود حمل میکنید؟ گفتند جنازه یکی از یاران پیغمبر ما است که در اینجا درگذشته و پیغمبر قبلاً باو خبر داده است که وی پشت دیوار قسطنطنیه دفن خواهد شد و او خود باین امر وصیت کرده و اینک ما میخواهیم به وصیت او عمل کنیم. سرانجام با اجازه آنان ابوایوب پشت دیوار شهر دفن شد.

و گرچه مسلمانان در آن هنگام و حتی تا هشت قرن پس از آن، بر قسطنطنیه دست نیافتند اما قبر ابوایوب، بعنوان یک سند زنده بر پیشرفتن مسلمانان تا پای دیوار شهر در آنجا بجای ماند و حتی مورد احترام هم بود. محمد بن سعد کاتب واقدی متوفی بسال ۲۳۰ هـ در طبقات الفقهاء ضمن شرح حال ابوایوب انصاری اصل داستان بالا را نقل نموده و نوشته است بطوریکه شنیده‌ام هم اکنون آرامگاه ابوایوب در نظر مسیحیان و اهالی، محترم و مزار است و ترسایان بآن تبرک میجویند. قبر ابوایوب و مسجد وی هم اکنون مورد احترام است.

باری فتح قسطنطنیه یکی از آرزوهای بزرگ مسلمانان بود و بمنزله فتح الفتوح اسلام شمرده میشد و حتی در پاره‌ای از روایات از علائم آخر الزمان و ظهور مهدی (ع) بشمار آمده است. و چنانکه گفتیم این آرزو بدست سلطان محمد فاتح هشتمین سلاطین عثمانی در تاریخ ۸۵۷ هجری برآورده شد و این خود بانوجه به سابقه امر و باانتظاری که طی قرون، چند نسل مسلمان را بخود مشغول داشته بود طبعاً شانس خوبی برای خلفای عثمانی بود و احترام خاصی نصیب آنان میکرد بلکه تاحدی در نظر مردم سند و پشتوانه مشروع بودن خلافت آنان بشمار می‌آمد بخصوص که حدیثی هم در این مورد نقل میکردند که رسول اکرم

فرموده است: «ستفتح قسطنطنیة علی ید رجل عادل». این حدیث را بر سر در مسجد سلطان محمد فاتح در استانبول نوشته اند.

نظر باینکه خلفای عثمانی خود را جانشین پیغمبر اسلام و پاسدار و نگهبان اسلام و حکومت خود را حکومت اسلامی خالص و اصیل میدانستند لهذا در نشر و تبلیغ اسلام و جهاد در راه دین و تأسیس مدارس و کتابخانه‌ها و ساختن مساجد و تکایا جدیت داشتند.

### مساجد و مدارس

اسلامبول را شهر هزار مناره میگویند مساجد مجمل و وسیع بامناره‌های نوک‌تیز بلند که از خصائص ابنیه ترکی است در همه جای شهر بنظر میرسد. غالباً مساجد دارای شش یا هشت مناره است و در وسط آنها گنبد بزرگ سفیدرنگ نیم کره‌مانندی قرار دارد. بر فراز مناره‌ها علامت ماه و ستاره که آرم دولت عثمانی بوده نمایان است.

وضع ساختمان مساجد چنین است که ابتداء به صحن وسیع مشجر و انبوه از درخت و گل که بی‌شباهت به یک باغ سرسبز نیست وارد میشویم. این صحن را که احیاناً شامل ده هکتار زمین است از چهار طرف دیوارهای بلند احاطه کرده و درهای متعددی از اطراف آن، به خیابانها و کوچه‌های مجاور باز میشود و گاهی غرفه‌هایی نیز در داخل دیوار دیده میشود. پس از عبور از خیابان داخل باغ به درب شبستان مسجد که در وسط این فضا قرار گرفته میرسیم. در دیوار خارج در ورودی، محل وضو قرار گرفته باین کیفیت که ده‌ها شیر آب بادیوار نصب شده و سرتاسر زیر شیرها جوی آب‌ریز قرار دارد، مقابل هر شیر سکوئی سنگی جهت نشستن و هم زیر شیر در دیوار برآمده‌گی از سنگ جهت شستن پاها هنگام وضو قرار داده‌اند و پس از وضو بدون کفش وارد شبستان میشوند.

درب‌رخی از مساجد قبل از شبستان، صحن دیگری که فضای اصلی مسجد است قرار گرفته و در آن فضا نیز باید بدون کفش راه رفت تا برسد به شبستان

که در آنجا کفش کن قرار دارد و هر که مایل باشد کفشهای خود را با آنجا میسپارد. آنانکه کفش را با خود بداخل میبرند آن را در مجاورت پایه‌ها و کنار دیوارها روی تخته‌های مخصوص کفش میگذارند. و بهر حال در بین صفوف نماز، کفش کسی همراه او روی فرش دیده نمیشود و چه بسا هنگام اقامه نماز و راست شدن صفوف انسان از کفشهای خود دور میافتد اما هرگز نباید خائف باشد زیرا کسی در داخل مسجد دزدی نمیکند.

در مساجد ترکیه و کلیه مساجدی که در کشورهای اسلامی دیگر دیدم رسم بر این است که تا در صف جلوتر جای خالی هست کسی در صف عقب نمی‌ایستد و این امر مطابق سنت است لهذا وقتی که نمازگذاران بنماز برمی‌خیزند امام میگوید صف‌ها را راست کنید و همه به نوبت انگشتان پاها نگاه میکنند که در یک خط مستقیم قرار گرفته باشد و توجه دارند که در صفوف جلوتر جای خالی باقی نماند. در این موقع است که جای افراد غالباً تغییر میکند و بمجردی که امام تکبیر گفت نمازگذاران که از اول شروع اقامه بپا خاسته و صفوف خود را منظم کرده‌اند همه باهم تکبیر نماز را میگویند و هیچ درنگ نمی‌نمایند.

اما وضع ساختمان در داخل شبستان باین کیفیت است که در وسط چهارپایه سنگی ضخیم با ارتفاع بیست متر یا بیشتر بالا رفته و محوطه مربع وسیعی را فرا گرفته که روی آن گنبد مسجد قرار دارد. در سمت قبله سقف نیم‌دایره‌ای است که محراب و منبر در آن جای دارد و در سه طرف دیگر رواق مستطیل با سقف بلند و غرفه‌هایی در داخل دیوار دیده میشود در پاره‌ای از مساجد این غرفه‌ها نیم‌متر از کف مسجد بلندتر است و بی‌شباهت به ایوانی که دور آن را نرده کشیده باشند نیست. در این ایوانها غالباً زنها به نماز می‌ایستند هر چند با صفوف مردها فاصله داشته باشند. برخی از این غرفه‌ها در دارد و در ریچه‌هایی نیز از غرفه‌ها به فضای خارج باز میشود که داخل شبستان را روشن میکند غرفه‌های دردار، بمنزله انبار مسجد یا محل قرآنها و یا دفتر مخصوص امام و کارمندان مسجد است.

با این توصیف، سقف مساجد بسیار مرتفع و دارای هشت زاویه است که معمولاً در آن زوایا بترتیب از سمت محراب به عقب کلمات: الله جل جلاله، محمد (ص)، ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن، حسین روی گچ و احياناً روی کاشی نقش بسته است اسامی سه خلیفه و سه امام همراه جمله «رضی الله عنه» ضبط شده است و گاهی کلمه الله در پیشانی محراب از نئون ساخته شده است.

باتوجه باینکه مسجد ایاصوفیا قبل از فتح اسلامی بعنوان کلیسا وجود داشته انسان یقین میکند باینکه نقشه مساجد ترکیه تقلیدی است از ایاصوفیا و بطور کلی تا آنجا که بنده دیدم در مساجد ترکیه نقشه مساجد قدیم ایران که علی الرسم دارای صحنی در وسط با ایوانی بلند در طرف قبله یا در چهار طرف شبستانی در اطراف باسقف کوتاه و پایه های بسیار است ابدأ پیاده نشده است در مساجدی که در دوران ترکها در کشورهای عربی بنا شده خصائص اثنیه ترکی نیز کاملاً مشهود است.

در همه مساجد بلااستثناء منبر بلند هفت هشت پله ای از چوب محکم با مثبت کاری بسیار نفیس و دقیق در سمت راست محراب و چسبیده به آن قرار دارد منبرها معمولاً در دورد و برفراز آن کلاهک و سرپوشی قرار داده اند نمونه کامل آن، هم اکنون در ایوان مقصوره جامع گوهرشاد مشهد دیده میشود که ظاهراً یادگار قرن نهم هجری است.

در وسط شبستان، تختگاهی از چوب با وسعت تقریبی سه در سه متر و بار ارتفاع دو متر و نیم نصب شده که مخصوص قراء قرآن است قاری قرآن در مواقع خاصی و بیشتر قبل از نماز جمعه و در ماه رمضان از پله ها بالا رفته روی آن تخت می نشیند و با صدای بلند بتلاوت قرآن می پردازد و حضار با حال توجه و با سکوت کامل وحی الهی را استماع میکنند.

غیر از منبر بزرگ، که مخصوص خطبه جمعه است منبر کوچکی در مجاورت یکی از پایه های مسجد هست و در خطابه های معمولی و دروس دینی از آن استفاده میکنند.

شهر استانبول از دو قسمت شرقی و غربی یا آسیائی و اروپائی تشکیل یافته ، سمت شرقی را اهالی (حیدرپاشا) مینامند . تنگه بسفور در وسط قرار گرفته و شهر را به دو نیم تقسیم کرده است و کشتیها که حکم اتوبوس شهری را دارند همواره مردم و کلیه وسائل نقلیه را از يك سو بسوی دیگر منتقل میکنند و اینک پل هوائی بزرگی در دست ساختمان است که قاره آسیارا به اروپا خواهد پیوست و گویا در سال جاری افتتاح خواهد شد .

مساجد بزرگ ، غالباً در ساحل دریا و در چشم انداز کشتیها بنا گردیده و انسان بادیدن آن مناظر مذهبی و آن مساجد مرتفع که گنبد و مناره های آن دل آسمانها را شکافته است حیرت میکند که خلفای ترک نژاد آسیائی در چنان نقطه حساسی از کره ارض با چه عظمتی بنام اسلام حکمرانی میکردند و از همه امکانات جهت بزرگداشت اسلام و جلوه دادن هر چه بیشتر این آئین مقدس استفاده مینموده اند . مسلماً فرمانروائی آنان از يك نوع هوشمندی و اغتنام فرصت و هم ، اعتقادی راسخ به اسلام برخوردار بوده است و بشهادت تاریخ قرنهای ابدی افسانه ای در دل کشورهای اروپائی بخصوص روسیه تزاری از خود بجای گذاشته است .

ظاهر آ از همه مساجد بزرگتر ، مسجد سلطان احمد است که در ضلع جنوبی میدان وسیع سلطان احمد واقع شده و در سمت دیگر میدان ، مسجد ایاصوفیا که اول کلیسا بوده و بعد از فتح اسلامی به مسجد تبدیل شده دیده میشود ، در داخل شبستان وسیع مسجد سلطان احمد ، بدیوار تابلوئی نصب شده بود که روی آن نوشته بودند «یا بلال حبشی رضی الله عنه» و در تابلوئی دیگر ، این مصراع عربی سعدی در منقبت رسول اکرم (ص) نوشته بود «حسنتم جمیع خصاله» و تابلوهای دیگری کمابیش در آنجا و در مساجد دیگر دیده میشود چراغها عبارت است از شمعدانهای سقفی آهنی قدیم که در آن لامپ برق جای داده اند .

مسجد ایاصوفیا ساختمان اولیه خود را حفظ کرده است و حتی مدخل آن کاملاً شبیه به کلیسا است . اخیراً نقوش مطلای سردر را که تصویری از حضرت

مریم است از زیر گنج بیرون آورده‌اند و در رواق طویل و مرتفع مقابل در ورودی که بمنزله راهرو شبستان است و از آن درهائی به شبستان باز میشود هنوز جای صلیبهای طلائی که بر فراز درها بر روی روپوش برنجی دیوار نصب شده بود باقی است، لیکن نقوش و کتیبه‌های داخل شبستان همه از آثار اسلامی است و بهمان صورت در سقف و دیوارها باقی است و از جمله کلمه الله و محمد و نام سه خلیفه و سه امام.

در اطراف بنا از خارج، پایه‌ها و اضافاتی احداث شده که بر آنها چند مناره ساخته‌اند. این مسجد، سالها موزه بوده است و فعلاً بعنوان یکی از مهمترین آثار باستانی هر روز مورد بازدید گروههای بیشمار سیاحان از چهار گوشه جهان بخصوص کاروانهای جهانگرد اروپائی قرار میگیرد، و در آن، مراسم عبادت و نماز برگزار نمیشود. مسجد ایاصوفیا از لحاظ عظمت و زیبایی از همه مساجد استانبول مهمتر است. در قاهره مسجد محمدعلی که در قلعه صلاح‌الدین ایوبی ساخته شده تقابلی است از ایاصوفیا اما هرگز آن عظمت را ندارد.

در مجاورت ایاصوفیا ابنیه قدیمی دیگر از جمله چند سقاخانه زیبا با کتیبه‌های فارسی و ترکی و نیز آب‌انبار قدیمی از آثار دوره بیزنطی که فعلاً در وسط میدان زیر خیابان قرار گرفته وجود دارد. در داخل این آب‌انبار مانند شبستانهای مساجد ایران چندین ردیف پایه‌های سنگی مرتفع دیده میشود و از سقف مرتب آب میچکد و مقداری آب زلال در کف آن جمع شده است.

همچنین یکی از درهای کاخ معروف توپ‌کاپی که بعداً و صف‌آن خواهد آمد از مقابل ایاصوفیا باز میشود. در وسط میدان نزدیک به مسجد سلطان احمد سقاخانه زیبایی است که مخزن آب آن فلزی است یک پارچه و از طرف یکی از سلاطین آلمان به خلفای عثمانی اهداء شده است.

مساجد معروف دیگر عبارت است از مسجد سلطان محمد فاتح، مسجد سلطان سلیم، مسجد سلطان سلیمان، مسجد سلطان بایزید، مسجد شهزاده، مسجد والده سلطان، مسجد سلطان ایوب، مسجد ابویوب انصاری.



مسجد محمد فاتح، در نظر اهالی بسیار محترم است و بر فراز یکی از دره‌های آن حدیثی نبوی باین مضمون «ستفتح قسطنطنیه علی ید رجل عادل» نوشته شده است. در باغ محیط به مسجد، آرامگاه و بقعه سلطان فاتح و چند آرامگاه دیگر از بستگان او دیده می‌شود. و من می‌دیدم مردم هنگام عبور کنار آرامگاه می‌ایستند و فاتحه می‌خوانند.

در مجاورت برخی دیگر از مساجد نیز آرامگاه و قبرستان وجود دارد از جمله در مسجد سلیمانیه قبر سلطان سلیمان و چند تن دیگر از خلفا و اقربای آنان در چند بقعه و نیز قبرستانی مخصوص رجال درباری و اعیان و علما واقع است. لوحه‌های روی قبرها همه به عربی و ترکی و با خطوط زیباست. و روی قبور خلفا ضریح و یاصندوق قرار دارد و روی آن عمامه بزرگی دیده می‌شود. و هر کدام خادم و نگهبان و قرآن‌خوانی دارد.

در نزدیک برخی از مساجد مدرسه‌ای برای طلاب علوم دینی ساخته‌اند. مدارس دارای ساختمان یک طبقه با سقفهای گنبدی و فضائی مربع در وسط می‌باشد که دور آن را غرفه‌ها و اتاقهای کوچک احاطه کرده است. کلیه این مدارس فعلاً متروک است و طلاب در آنها سکنی ندارند برخی از آنها مانند مدرسه سلیمانیه بشرحی که خواهیم گفت کتابخانه و برخی دیگر چون مدرسه سلطان سلیم خوابگاه دانشجویان دختر می‌باشد.

ساختمان مساجد و مدارس عموماً از سنگ سفید است که بمرور زمان تیره‌رنگ و یابکلی سیاه شده و از زیبایی آنها کاسته است در دیوار خارج پاره‌ای از مساجد نزدیک به بازارها و مراکز اجتماع بسیار کثیف است و هیچگونه توجهی به نظافت آنها نمی‌شود.

### کاخ توپ‌کاپی دربار خلفای عثمانی

در ناحیه شمالی میدان سلطان احمد روبروی ایاصوفیا کاخ توپ‌کاپی یا (سرای) دربار خلفای عثمانی قرار گرفته و فعلاً موزه است. این قصر که در نقطه

مرتفع و مشرف بر دریا قرار گرفته و از چند طرف دریا آن را احاطه کرده است بدین کیفیت ساخته شده است که از اطراف آن با مسافت بعید سردرهای مجلی مدخل آن را تشکیل می‌دهد از جمله چنانکه گفتیم یکی از درها و شاید در اصلی از ناحیه میدان سلطان احمد و ایاصوفیا بازمی‌شود و در سمت غربی آن در دیگری است که یک خیابان پیچ‌درپیچ و شیب، قصر را به آن در متصل می‌سازد بهر حال پس از عبور از خیابانها و فضای مشجر باغ به در اصلی می‌رسیم که در یکطرف آن تویع یکی از خلفا و ظاهراً سلطان عبدالمجید و در بالای آن آیتی از قرآن نقش بسته است. از آن در وارد دهلیز و پس از آن وارد فضای وسیعی میشود که اطراف آن را ساختمان و ایوانهای یک طبقه مرتفع و تالارها احاطه کرده و ظاهراً جایگاه نگهبانان قصر و هم آشپزخانه و انبار آذوقه بوده است و فعلاً همه آن اتاقها نمایشگاه لوازم و اثاث البیت سلطنتی می‌باشد.

پس از عبور از راهرو زیر ساختمان به فضای دوم می‌رسیم که در وسط و اطراف آن ساختمانهای اصلی قصر بطور پراکنده بصورت بناهای مرتفع یک طبقه دیده می‌شود و همه مشرف بر دریا است.

در صحن اول طرف چپ خیابانی است که به حرم (اندرون) سلطان میرسد و در آن بنا که قدیمی و تاریک و تودرتو است و مسکن شخصی خلیفه بوده است. انسان همه وسائل زندگی خلیفه و اتاقهای پذیرائی و استراحت و حتی حمام شخصی وی را بهمان وضع اول و با همان لوازم و ابزار می‌بیند و راهنمایان که سیاحان را هدایت میکنند بشرح یک یک آنها می‌پردازند. برخی از سالنها و اتاقها طلاکاری و برخی بانقوش دیگر مزین است.

در اتاقهای فضای جاو زروزیورها، لباسها، ظروف و لوازم مطبخ، فرشها، ساعتها، چراغها، انواع تفنگها و اسلحه، هدایای سلاطین جهان به خلفا هر کدام غرفه مخصوص دارد و ازدیدن آنها حالتی از بهت و حیرت به انسان دست می‌دهد.

در بین گردن‌بندهای گرانبها گردن‌بندی است متعلق به یکی از همسران

خلفا که نام وی مشخص شده و نام مقدس پنجمین بر آن نقش بسته است. در برخی از سالنهای فضای دوم قرآنها، نفایس خطی، عکسها، شمشیرهای مرصع جای دارد يك قسمت دیگر مخصوص آثار نبوی است. در این قسمت، نسخه اصل نامه رسول اکرم به مقوقس فرمانروای مصر در عصر رسول اکرم که سیاه شده و بزحمت قابل خواندن است و چند رشته موی ریش پیغمبر و هم دندان و جبهه آن حضرت به معرض نمایش گذارده شده است. در جای دیگر عصای آن حضرت که چوب کج و معوجی است با غلاف نقره‌ای دیده می‌شود. در عقب غرفه آثار نبوی غرفه دیگری است که در آن بسته بود و از لای مشبکها البسه و قرآن و اشیاء گرانبهائی دیده می‌شد. قرآن منسوب به عثمان و خطوطی از قرن اول اسلام جزو نفایس غرفه مخطوطات بود.

بر درودیوار قصر، چه در اندرون و چه در تالارهای پذیرائی واقع در عقب قصر، کتیبه‌هایی از آیات قرآن و اشعار عربی از جمله قصیده معروف برده در مدح رسول اکرم و گاهی اشعاری فارسی و ترکی و هم نوشته‌ای باین مضمون «شفاعت یارسول الله» دیده می‌شود. برخی از این نوشته‌ها بر کاشی و برخی بر بردیوار، با لاجورد نوشته شده است.

عجب اینست که در سراسر این کاخ، نه در بیوتات داخل و نه در تالارهای خارج ابدآ تصویر انسان و مجالس عیش و طرب از آن نوع تصاویر که در کاخ عالی قاپو و چهل ستون اصفهان وجود دارد بنظر نمی‌رسد. و این امر می‌رساند که خلفای عثمانی به حفظ ظاهر سخت پای بند بوده‌اند البته قصرهای دیگر در اطراف و جوانب استانبول هست که من موفق بدیدن داخل آنها نشدم و نمیدانم وضع آنها از چه قرار است اما کاخ اصلی خلفا که جای زندگی آنان بوده است چنان است که گفته شد.

در غرفه لباسها، جامه خون‌آلودی از یکی از خلفا هست که وی در آن جامه بقتل رسیده است. لباسها بیشتر از جنس قلمکار و شال و حریر است. سرانجام انسان با حیرت و شگفتی، قصر را ترك می‌گوید و تا لحظاتی چند تحت تأثیر آن

همه عظمت و شکوه که در عین حال توأم با عقیده دینی و موقعیت شامخ خلافت اسلامی بوده است قرار می‌گیرد و در دریائی از خاطرات تاریخی که با سرنوشت اسلام و جامعه اسلامی سروکار دارد غوطه‌ور می‌شود.

### کتابخانه‌ها و نفایس مخطوطات

اما اطلاعات راجع به کتابخانه‌ها: باید دانست که کشور ترکیه ظاهراً غنی‌ترین مخزن مخطوطات اسلامی است بنا بر آنچه از اهل اطلاع شنیدم در حدود دویست و پنجاه هزار نسخه خطی در مجموع کتابخانه‌های ترکیه و بیش از همه در شهرهای استانبول، بورسه و آنکارا وجود دارد علت آنهم آنست که اولاً ترکیه قرن‌ها مرکز خلافت اسلامی بوده و طبعاً از لحاظ علمی هم یک نوع مرکزیت داشته است ثانیاً میان وزرا و اعیان و علمای دین نوعی رقابت و هم‌چشمی در گردآوری نفایس خطی و داشتن کتابخانه و گنجینه‌های نفیس وجود داشته و این امر خود بر اعتبار و آبرو و شخصیت آنان می‌افزوده است. از این رو کتابخانه‌های فراوانی طی قرون از این طبقه بجای مانده است.

در حال حاضر در شهر استانبول صرف نظر از کتابخانه‌های نوبنیاد دانشگاه و چند کتابخانه مستقل چون کتابخانه ایاصوفیا واقع در داخل کاخ توپ‌کاپی و برخی از مساجد دیگر، کلیه کتابخانه‌های شخصی و عمومی در مدرسه سایمانیه واقع در جوار مسجد سلطان سلیمان گردآمده است.

این مدرسه دارای دو صحن است که هر کدام را اتاقها و ایوانهای یک طبقه احاطه کرده است. اتاقهای صحن اول فعلاً بصورت تالارهای دراز و باریک درآمد و تأسیسات اداری، سالن مطالعه، محل فیشها، مراکز صحافی و عکس برداری در آن واقع است. اتاقهای صحن دوم بصورت خود باقی است و در هر کدام کتابخانه‌ای را جای داده‌اند. وضع اداری و صحافی و فیشها کاملاً فنی و مرتب است. کارشناس فعلی آن، آقای نادر که به زبانهای فارسی و عربی آشنائی دارد بنده را با وضعیت کتابخانه آشنانمود و بخش صحافی که

کارمندان غالباً زن هستند باین کیفیت است که کتاب فرسوده ورق‌بورق از میزی به میز دیگر نقل می‌شود و هر یک از کارمندان مسؤول اصلاح قسمت خاصی هستند تا اینکه کتاب ته‌بندی شده وارد اتاق جلدسازی می‌شود و جلد‌های کهنه مرمت‌شده و یا از نو ساخته شده بآن ضمیمه می‌گردد. در اتاق جلدسازی بنده جلد‌های طلاکوب از نوع جلد‌های قدیمی را که ساخت خود آنان بود مشاهده کردم و ظاهراً تفاوتی با جلد‌های گرانبهای قدیم نداشت.

آقای نادر، اوراقی را به بنده نشان داد و گفت این اوراق باسرانگشتان نازک این خانمها اصلاح شده است. و اضافه کرد ما عده‌ای را با هزینه کتابخانه جهت کارهای فنی در دانشکده هنرهای زیبا آموزش داده‌ایم.

کتابخانه دارای سه نوع فیش است: برحسب نام کتاب، موضوع و نام مؤلف اما هنوز فهرست کاملی ندارد. اخیراً چند جلد فهرست بزبان ترکی چاپ شده است لیکن هر یک از کتابخانه‌ها از قدیم فهرست خطی یا چاپی داشته و هم‌اکنون کلیه آن فهرس در تالار مطالعه موجود است و تعداد آنها متجاوز از شصت مجلد است با خطوط گوناگون و قطع‌های مختلف و ظاهراً نسخ خطی فهرس منحصر بفرد و با امضاء کتاب‌دارهای اولیه می‌باشد.

در اینجا نام چند کتابخانه از کتابخانه‌های گردآمده در سایمانیه که توفیق مطالعه فهرست آنها دست‌داد ذکر می‌شود:

- ۱- کتابخانه عبدالغنی آغا، فهرست آن خطی است
- ۲- کتابخانه مجموعه حسین‌پاشا، فهرست آن چاپی است
- ۳- کتابخانه هاشم‌پاشا، فهرست آن خطی است
- ۴- کتابخانه بقدادی وهبی افندی، فهرست آن خطی است
- ۵- کتابخانه بشرآغا، فهرست آن چاپی است
- ۶- کتابخانه چاپی عبدالله افندی، فهرست چاپی است
- ۷- کتابخانه چورلیلی‌علی‌پاشا، فهرست چاپی است
- ۸- کتابخانه داماد ابراهیم‌پاشا، فهرست چاپی است
- ۹- کتابخانه شیخ محمد مراد افندی، فهرست آن چاپی است

- ۱- کتابخانه اسعد افندی ، فهرست آن چاپی است
- ۱۱- کتابخانه دوکملی بابا ، فهرست آن چاپی است
- ۱۲- کتابخانه اسعد افندی و محمد آغا جامعی، فهرست آن چاپی است
- ۱۳- کتابخانه فاتح ، فهرست آن چاپی است
- ۱۴- کتابخانه حاجی رشید بک، فهرست آن خطی است
- ۱۵- کتابخانه حالت افندی و چند کتابخانه دیگر، فهرست آنها خطی است
- ۱۶- کتابخانه حمید، فهرست آن چاپی است
- ۱۷- کتابخانه یحیی افندی ، فهرست آن خطی است
- ۱۸- کتابخانه عیسی محمد افندی ، فهرست آن خطی است
- ۱۹- کتابخانه حسیب افندی ، فهرست آن خطی است
- ۲۰- کتابخانه بخارا مراد افندی، فهرست آن خطی است
- ۲۱- کتابخانه حسین کاظم ، فهرست آن خطی است
- ۲۲- کتابخانه سلیم آغا، فهرست آن خطی است
- ۲۳- کتابخانه اسماعیل حقی، فهرست آن فتو کپی شده. اکثر کتب چاپی دوره عثمانی در این کتابخانه وجود دارد .
- ۲۴- کتابخانه برهان الدین واقف، فهرست آن چاپی است
- ۲۵- کتابخانه قصیده جی زاده سبحانه سری افندی، فهرست خطی است
- ۲۶- کتابخانه قره چلی زاده حسام الدین افندی ، فهرست آن چاپی است
- ۲۷- کتابخانه نقشدر والده سلطان، فهرست آن چاپی است
- ۲۸- کتابخانه الشیخ الحاج حافظ مراد افندی ، فهرست آن چاپی است
- ۲۹- کتابخانه الشیخ الحاج محمد عارف افندی ، فهرست آن چاپی است
- ۳۰- کتابخانه محمود پاشا ، فهرست آن چاپی است
- ۳۱- کتابخانه ازیر مصطفی افند نیک، فهرست چاپی است
- ۳۲- کتابخانه لاله‌لی، فهرست چاپی است ، این کتابخانه بسیار مهم و معتبر و نفیس است .

## ۳۳- کتابخانه قیج علی پاشا، فهرست چاپی است.

قبل از بازدید از بیوتات و تأسیسات اداری کتابخانه با رئیس کتابخانه آقای معمر ملاقات کردم و راجع به کتابخانه سلیمانیه و بطور کلی کتابخانه های ترکیه و هم کتابخانه های ایران از جمله کتابخانه آستان قدس رضوی سخنانی میان ما رد و بدل شد. در اطراف اتاق وی عکسهای چند تن از سلاطین عثمانی باریش های بلند و عمامه های بزرگ به دیوار نصب شده بود و در بین عکسها عکس جالبی باریشی انبوه و بلند نظر بنده را جلب کرد آقای رئیس کتابخانه گفت این عکس مهندس مسجد سلیمانیه است و ظاهر آنام او را ابراهیم یاد کرد او در عصر خود از معمارهای معروف بوده و آثاری چند از وی در ترکیه بجای مانده است.

آمار درستی از تعداد کتب سلیمانیه بدست ندادند ولی ظاهر آنسخ خطی آن از پنجاه هزار متجاوز است.

کتابخانه دیگری که مورد مراجعه بنده قرار گرفت کتابخانه ایاصوفیا بود. این کتابخانه فعلاً در داخل کاخ توپ کاپی قرار دارد و دارای فهرست مرتبی بزبان ترکی در پنج مجلد است باین ترتیب:

جلد اول: علوم قرآنی

جلد دوم: علوم حدیث و فقه

جلد سوم: تاریخ، کلام، فلسفه و امثال آنها

جلد چهارم: کتب مختلفه

جلد پنجم: کتب فارسی

این جلد مشتمل بر نام ۹۴۰ نسخه فارسی است

و مجموع چهار جلد اول مشتمل بر ۹۰۴۳ کتاب است از این رقم تعداد ۳۰۸۸

نسخه بزبان ترکی و بقیه بزبان عربی است.

در دو کتابخانه سلیمانیه و ایاصوفیا نسخ بسیاری مورد توجه بنده قرار گرفت و به بسیاری از آنها مراجعه کردم شرح آن نسخ مفصل و خود درخور مقاله و یا رساله جداگانه است. در اینجا جهت مزید فائدت نام تعدادی از نسخ

نفیس و کم یاب این دو کتابخانه با قید رقم (و نام کتابخانه‌های سلیمانیه) و احياناً ذکر پاره‌ای از خصوصیات یادمی‌شود:

الف - نسخ بسیار قدیمی و نفیس در فنون مختلف:

- ۱- مصحف منسوب به خط عثمان: کتابخانه حمیدیه شماره ۱.
- ۲ و ۳- مصحف منسوب به خط علی علیه السلام: کتابخانه حمیدیه شماره ۳ و ۲
- ۴- مصحف منسوب به خط حسن بصری: کتابخانه حمیدیه شماره ۴
- ۵- کتاب المدخل فی علم احکام النجوم و علاها و کیفیاتها... از ابی معشر المنجم الكبير، کاتب، ابوالحسین اسحاق بن محمد بن یعقوب بن اسحاق بن راهویه الحنفلی که در تاریخ ۳۲۷ هـ با اصل مصحح مقابله شده است. کتابخانه جارالله شماره ۱۵۰۸.
- ۶- کتاب العال و معرفة الرجال از احمد بن حنبل تاریخ استنساخ ۳۴۳ هـ. ایاصوفیا شماره ۳۳۸۰.
- ۷- کتاب القرانات، تاریخ استنساخ ۳۵۲ هـ. کتابخانه جارالله شماره ۱۵۵۹.
- ۸- کتاب شفا، از ابن سینا، نسخه کامل که در تاریخ ۴۲۰ هـ کتابت و در ۴۲۲ بر مؤلف قرائت گردیده و خط ابن سینا در برخی از حواشی مبنی بر اینکه کتاب بر وی در تاریخ فوق قرائت شده دیده می‌شود. کتابخانه داماد ابراهیم پاشا، شماره ۸۲۲.
- ۹- غوامض الصحاح از صلاح الدین صفدی بخط او. کتابخانه داماد ابراهیم پاشا شماره ۱۱۲۷.
- ۱۰- تفسیر غریب مفردات القرآن، از محمد بن ابوبکر رازی مورخ ۶۶۸ بخط مؤلف. داماد ابراهیم پاشا، ش ۱۲۴.
- ۱۱- مواعظ خواجه عبدالله انصاری بخط عماد حسینی، کتابخانه حمیدیه، ش ۲.

ب - علوم قرآنی و تفسیر

- ۱- لفة القرآن الکریم. کتابخانه بقداد وهبی افندی شماره ۱۹۷۹.



- ۲- تأویلات القرآن ابی منصور ماتریدی . کتابخانه چورلیلی علی پاشا، ش ۱۰ .
  - ۳- تفسیر ابن عباس . کتابخانه چورلیلی علی پاشا، ش ۱۹ و ۲۰ .
  - ۴- تفسیر طبری ، این نسخه بسیار نفیس است . کتابخانه داماد ابراهیم پاشا، ش ۲۸ تا ۳۶ .
  - ۵- درة التأویل و غرة التنزیل فی المتشابهات از راغب اصفهانی . کتابخانه اسعد افندی ش ۱۷۶ .
  - ۶- تأویلات ابی منصور ماتریدی . کتابخانه حالت افندی ش ۲۶ .
  - ۷- الاستغناء فی علوم القرآن از ابی بکر الادفوی . کتابخانه نقشدل والده سلطان ش ؟ .
  - ۸- عدة الفرقان فی وجوه القرآن از مصطفی عبدالرحمن الازدی مورخ ۱۱۵۵ . کتابخانه لاله‌لی ش ۶۶ .
  - ۹- تفسیر بی نقطه از فیضی هندی . کتابخانه داماد ابراهیم ش ۱۲۸ .
  - ۱۰- انهار الجنان فی وجدان القرآن . کتابخانه لاله‌لی ش ۸۰ .
  - ۱۱- الاتقان لسیوطی نسخ متعدد . کتابخانه داماد ابراهیم ش ۱۲ تا ۱۶ .
- ج - علوم حدیث و فقه :

- ۱- معرفة علوم الحدیث لابن صلاح . داماد ابراهیم ش ۴۱۲ .
- ۲- جامع المسانیه . داماد ابراهیم ش ۵۰۶ .
- ۳- خراج ابی یوسف مورخ ۹۳ هـ . داماد ابراهیم ش ۵۲۴ .
- ۴- علل الحدیث . ایاصوفیا ش ۲۶۰۲ .
- ۵- الموضوعات من الاحادیث . ایاصوفیا ش ۲۸۲۵ و ۲۸۲۶ .
- ۶- موضوعات علی القاری . اسماعیل حقی ش ۱۴۴ .
- ۷- الاحادیث الموضوعة للصاغانی . داماد ابراهیم ش ۱۲۳۶ .
- ۸- مسند العشرة . چورلیلی علی پاشا ش ۱۴ .
- ۹- موضوعات الحدیث . بشیر آغا ش ۱۷۸ .

۱- موضوعات مکرر راست . بغداد وهبی افندی ش ۲۸۴ .

#### ه - کتب فلسفه وطب وملل ونحل :

- ۱- شرح مقدمه فصوص از داود قیصری . بغداد وهبی افندی ش ۷۲۴ .
- ۲- شرح خطبه ابن سینا مورخ . ۶۲۰ هـ . بغداد وهبی افندی ش ۸۲۴ .
- ۳- رساله نصیرالدین الطوسی . بغداد وهبی افندی ش ۱۴۸۸ .
- ۴- کتاب من لایحضره الطیب ذکریای رازی . بغداد وهبی افندی ش ۱۴۸۸ .
- ۵- رساله القضا والقدر از بهاءالدین . جنبی عبدالله افندی مجموعه ۲۹۲ .
- ۶- رساله قشیریه . چولیلی علی پاشا ش ۲۸۷ .
- ۷- اسفار اربعه ملاصدرا باحواشی . لاله‌لی ش ۲۴۸۴ .
- ۸- اسفار اربعه ملاصدرا باحواشی (مقابله شده بانسخه راغبیه) . اسعدافندی ش ۱۱۷۳ .
- ۹- اشارات ابن سینا خط هندوشاه بن سنحه مورخ ۷۱۸ هـ . داماد ابراهیم ش ۸۰۹ .
- ۱۰- شرح عقاید غزالی از محمدامین صدرالدین شیروانی . اسعد افندی ش ۱۲۳۶ .
- ۱۱- رساله لنصیرالدین الطوسی . قصیده جی زاده ش ۷۱۶ .
- ۱۲- التجرید فی کلمة التوحید لاحمدالغزالی . قره‌چلبی زاده مجموعه ۳۵۰ .
- ۱۳- شفاء ابن سینا القسم الثالث عشر . چیه‌چی عبدالله پاشا ش ۲۵۴۶ و ۲۵۴۷ .
- ۱۴- قصیده للغزالی . چیه‌چی عبدالله پاشا مجموعه ش ۳۷۰۸ .
- ۱۵- مکاتبات صدرالدین قونوی و نصیرالدین طوسی . ایاصوفیا ش ۲۳۲۸ .
- ۱۶- مجموعه رسائل فارسیه . بغدادلی وهبی ش ۲۰۳۶ .

#### و - کتب مربوط به شیعه و اهل‌البيت :

- ۱- الکانی از کلینی از کتاب ایمان تا کتاب عشرت تاریخ مقابله ۹۵۴ هـ بغداد لی وهبی ش ۳۰۴ .

- ۲- کتاب التوحید والادلة عن جعفر بن محمد (ع) (توحید مفضل) . بغدادی وهبی ش ۷۹۴ .
- ۳- طب اهل البيت . بغدادی وهبی ش ۱۴۸۸ .
- ۴- تفسیر امام حسن عسکری (ع) . بشیر آغا، ش ۲۶ .
- ۵- طرز الوفا فی فضائل آل المصطفی . بشیر آغا، ش ۱۶۵ .
- ۶- مشیخة تهذیب باوجیزه شیخ بهائی و غیره (بنام اسماء الرجال ضبط شده) . چاپی عبدالله افندی ش ۳۹ .
- ۷- غرر الحکم و درر الکلم مورخ ۹۷۵ . داماد ابراهیم ش ۹۴۷ .
- ۸- شرح دیوان علی (ع) للمبیدی . داماد ابراهیم ش ۹۷۵ .
- ۹- فصول المهمة فی معرفة الائمة از ابن صباغ . اسعد افندی ش ۱۲۶۷ .
- ۱۰- مجالس المؤمنین قاضی نورالله (بسیار خوش خط و نفیس مورخ ۱۰۵۵) . اسعد افندی ش ۱۲۸۰ .
- ۱۱- شرح دیوان علی (ع) للمبیدی . اسعد افندی ش ۲۷۷۹ .
- ۱۲- شرح دیوان علی (ع) از مستقیم زاده . اسعد افندی ش ۲۷۸۰ .
- ۱۳- شرح نهج البلاغه از حسین بن عبدالحق اردبیلی . اسعد افندی ش ۲۸۲۴ .
- ۱۴- منافع القرآن از امام جعفر صادق (ع) . فاتح ش ۱۳ .
- ۱۵- جوامع الجامع طبرسی مورخ بعد از هزار هجری . حمیدی ش ۷۱ .
- ۱۶- ترجمه کلام علی منسوب به جامی (نفیس است) کاتب ، عبدالواحد مشهدی حمیدی ش ۷۱ .
- ۱۷- وصیت پیغمبر به علی و فاطمه . مراد افندی مجموعه ۳۳۳ .
- ۱۸- استغفار علی و دعاء نجاح علی (ع) . جیه چی عبدالله پاشا مجموعه ۱۵۸۸ .
- ۱۹- رساله فی تعدد فضائل علی (ع) . جیه چی عبدالله پاشا مجموعه ۳۷۳۹ .
- ۲۰- رساله فی الآیات التي نزلت فی علی (ع) . جیه چی عبدالله پاشا مجموعه ۳۷۳۹ .
- ۲۱- خلاصة الجواهر فی شأن اهل البيت الرسول الطاهر . ایاصوفیا ش ۶۳۲۸ .
- ۲۲- النواقض فی رد الروافض . ایاصوفیا ش ۴۹۵۴ و ۴۹۵۵ .

- ٢٣- رسالة في بيان مباحثة عبدالله السويدي مع علماء ايران . اياصوفيا ش ٦١٩٥
- ٢٤- حرز علي بن ابيطالب (ع) . اياصوفيا ش ٥٧٠٤ .
- ٢٥- تكفير الشيعة . اياصوفيا ٤٩٥٦ و ٤٩٥٨ .
- ٢٦- من لا يحضره الفقيه للصدوق كامل و مصحح و بدون مشيخه مورخ ١٠٩٩ هـ  
 كاتب ممدوح الاميني ابن محمد صالح ادهمي همداني در مدرسه سليمانيه  
 اياصوفيا ش ٩٠١٤ .
- ٢٧- عقد الدرر في اخبار المنتظر از يوسف بن محمد . جية چي عبدالله پاشا، ش ٦٢٣
- ٢٨- النجم الثاقب في بيان ان المهدي من اولاد علي بن ابيطالب . جية چي عبدالله  
 پاشا، ش ٦٧٩ .
- ٢٩- رسالة تلخيص البيان في علامات ظهور مهدي آخر الزمان از سيوطي . قليچ  
 علي پاشا مجموعه ش ١٠٣٨ .
- ٣٠- نفحات رياض الروض الوردی في استمرار دولة العثماني بعد خروج المهدي .  
 اسعد افندي ش ١٤٧١ .
- ٣١- كتاب بيان سيد علي محمد باب . حسين كاظم ش ٦ .
- ح - كتب انساب ورجال و طبقات و تاريخ :

- ١- الزبدة في الانساب للبحراني . بغداد لي وهبي ش ١١٢٨ .
- ٢- الباب في معرفة الانساب از احمد بن محمد بن ابراهيم . بغداد لي وهبي ش ١١٣٢
- ٣- طبقات الاولياء ؟ بغداد لي وهبي ش ١٠٥٦ .
- ٤- طبقات الانبياء لابن العماد . بغداد لي وهبي ش ١٣٠١ .
- ٥- المشجرة في الانساب مورخ ٩٠٣ . بغداد لي وهبي ش ١٣٠٥ .
- ٦- مشكل الاسماء والنسب . داماد ابراهيم ش ٤٠٧ .
- ٧- مصباح المضيء في كتاب النبي الامي . داماد ابراهيم ش ٤٠٥ .
- ٨- طبقات الفقهاء از كوچك شمس الدين . داماد ابراهيم ش ٦٣٨ .
- ٩- تاريخ بغداد از خطيب بغدادی مورخ ١٠٩١ . داماد ابراهيم ش ٨٨٩ .

- ۱- مزیل المرام عن حکام الانام از ابن خلدون . اسعد افندی ش ۱۸۹۹ .
  - ۱۱- تاریخ المسمی بالمتفق والمفترق از خطیب بغدادی (کتاب رجال است) .  
اسعد افندی ش ۲۰۹۷ .
  - ۱۲- رحله ابن خلدون . اسعد افندی ش ۲۲۶۸ .
  - ۱۳- تاریخ جهانگشای جوینی مورخ ۶۹۸ هـ ج ۱ . عموجه حسین پاشا ش ۳۵۹ .  
در اینجا باید چند نکته را اضافه کنم :
- اول - اینکه کتب و رسائل غزالی در فهرس کتابخانه‌های مورد بحث بسیار بچشم میخورد .
- دوم - در طی فهرس بنام کتاب تبیان یا تفسیر تبیان بسیار برمیخوریم بنده پس از مراجعه باصل نسخ معلوم شد که هیچ‌کدام از آنها تفسیر تبیان شیخ طوسی نیست بلکه آنها عبارت است از التبیان فی اعراب القرآن از ابوالبقاء به عربی و فارسی و ترکی و یا تفسیری دیگر به ترکی یا به عربی .
- سوم - نام کشف الاسرار بعنوان تفسیر یا حاشیه بر آن مکرر آمده و آن عبارت از تفسیری است عربی و به تفسیر کشف الاسرار میبندی که در ایران به چاپ رسیده ربطی ندارد .
- چهارم - تحقیق و شناخت کتب این کتابخانه و سایر کتابخانه‌های ترکیه بخصوص شناختن مجموعه‌ها که تعداد آنها از هزار میگذرد به وقت کافی و حوصله وافی و بلکه به چند هیأت علمی آشنا به زبانهای عربی و فارسی و ترکی وهم مطلع از عاوم اسلامی نیاز دارد ، و بایک ماه و دوماه و یکسال و دوسال این کار انجام پذیر نیست .
- متأسفانه چنین هیأتها و افرادی آماده بکار در آنجا بنظر نمیرسد ، مراجعان به کتابخانه در روز ، از پنج شش نفر تجاوز نمیگرد آنها غالباً مانند بنده از خارج ترکیه به شوق دیدار نفائس با آنجا آمده و عابر سبیل بودند .
- و باتوجه باین امر خطیر که پس از تغییر خط در ترکیه ، کسانی که بتوانند خط مشترک اسلامی اعم از فارسی و عربی و ترکی را که همه این کتب بشمار به این خط نوشته شده بخوانند انگشت شمار هستند از غربت و مهاجور بودن این

گنجینه‌های علمی اسلامی در آن دیار بهتر آگاه می‌شویم. از مشاهده این وضعیت انسان ب فکر این حدیث شریف نبوی می‌افتد «بدء الاسلام غریبا و سيعود غریبا»... باز هم مایه دلگرمی و جای خوشبختی است که اقلاً اگر استفاده کافی از این مخازن علمی بعمل نمی‌آید، بطور شایسته از آنها محافظت و نگهداری میشود، از این بابت از گردانندگان آن کتابخانه‌ها باید سپاسگزاری کرد. نظم و انضباط و ادب کارمندان و صبر و شکیبائی مدیر و کارشناس کتابخانه سلیمانیه حقیقتاً شایسته سپاس و تشکر است.

با آقای نادر طی بازدید از کتابخانه و غرفه‌های قدیمی مدرسه سلیمانیه که بسیار شبیه به اتاقهای مدارس دینی خودمان است و برای بنده مانوس مینمود رسیدیم به يك اتاق که در آن دستگاه جذب رطوبت قرار داشت. آقای نادر توضیح داد نظر باینکه اتاقها مرطوبی است و رطوبت تدریجاً در کتابها اثر می‌گذاشت، ما این ماشین را تهیه کرده‌ایم و هر چند روز آن را در يك اتاق می‌گذاریم و پس از مدتی مقداری آب در آن جمع میشود. در این هنگام سرپوش دستگاه را برداشت و بقدر نصف سطل آب را که ظرف يك شبانه‌روز در آن گرد آمده بود به من نشان داد.

بنظر بنده راه شناخت و بررسی مخطوطات ترکیه در شرائط حاضر منحصر به دو امر است:

- ۱- اینکه سه هیات علمی و کتاب‌شناسی یکی از ایران جهت شناخت مخطوطات فارسی و کتب شیعه و یکی از مصر یا یکی دیگر از کشورهای عربی جهت شناختن کتب عربی و يك هیات هم از دانشمندان ترکیه که با خط ترکی قدیم و علوم اسلامی آشنا باشند جهت کتب ترکی مأمور رسیدگی و تهیه فهرست تحقیقی شوند.
  - ۲- اینکه عکس کتابهای فارسی به ایران و عکس کتابهای عربی به معهد المخطوطات جامعة الدول العربیة در قاهره نقل گردد تا در دسترس دانشمندان فارسی‌زبان و عربی‌زبان باشد و تدریجاً نسبت به آنها تحقیق و شناسائی بعمل آید.
- و معرفی نسخ ترکی را دانشکده‌های شریعت و ادبیات ترکیه بعهدہ گیرند.

آقای نادر جزوه‌ای را به‌بنده هدیه داد که شامل فهرست تعدادی از نسخ نفیس ترکیه‌است و در چندسال پیش از این، هنگام تشکیل نمایشگاه کتاب در ترکیه منتشر شده بود.

بدیهی‌است از لحاظ تعداد کتب، نسخ عربی ترکیه در درجه اول و نسخه‌های فارسی و ترکی در درجه دوم و شاید هم تعداد نسخ ترکی بیشتر باشد.

این نکته را هم باید یادآور شد که عکس تعداد معتابهی از نسخ فارسی ترکیه توسط بعضی از اساتید به‌رور، به‌ایران منتقل شده و همچنین در معهد المخطوطات و دارالکتب قاهره تصویر برخی از نسخ عربی ترکیه وجود دارد.

اینجانب چندسال قبل یک نسخه از کتاب «البصائر فی الوجوه والنظائر» را توسط دانشگاه مشهد از ترکیه مطالبه کرد و فرستادند. بطوریکه آقای نادر کارشناس کتابخانه اظهار میکرد فعلاً تنها بصورت مبادله دست‌یافتن به‌گراور مخطوطات آنجا امکان‌پذیر است.

کتابخانه سلیمانیه نیازمبرم به‌فهرست کتابخانه‌های ایران دارد و چه‌خوبست متصدیان کتابخانه‌ها از فهرستهای چاپ‌شده خود به‌کتابخانه سلیمانیه استانبول ارسال دارند و متقابلاً از انتشارات و فهرستهای آنان بخواهند.

در اثناء مطالعه در تالار مخصوص مطالعه گاه‌بگاه آقای نادر بایک کتاب فرسوده نزد من می‌آمد و خط فارسی یا عربی ناخوانائی را که بعنوان اسم یا مؤلف کتاب در ظهر آن نوشته بود نشان میداد و برخی از آنها را بنده بازحمت میخواندم و تاحدی به‌شناسائی کتاب کمک میکردم یاد آن ایام به‌خیر !!

### دانشگاه استانبول و مؤسسات مذهبی ترکیه

بوسیله سر قنسول ایران در استامبول آقای دکتر داوی که نسبت به‌بنده لطف بیدریغ ابراز مینمود با دانشکده ادبیات استانبول تماس حاصل کردم. در این دانشکده با رئیس آن آقای دکتر تحسین یازجی که ضمناً مدیر گروه ادبیات و زبان فارسی دانشکده نیز بود و با زبان و ادب فارسی آشنائی کامل دارد آشنا

شدم و مورد محبت وی قرار گرفتم . طی ملاقاتهای مکرر ، اطلاعات گرانبهایی از وضع دانشگاهها و روش تعلیم و تربیت در ترکیه از وی کسب کردم . از جمله راجع به ریشه ادبیات و شعر ترکی آقای دکتر یازجی اظهار میکرد تا قبل از انقلاب ترکیه ادب و شعر ترکی متأثر از ادب عربی و اسلامی بود و بعد از انقلاب ، تحت تأثیر ادب غربی قرار گرفته است .

و همچنین با آقای دکتر نظیف خواجه استاد و عضو گروه ادبیات عرب در آن دانشکده آشنا شدم وی که مردی وارسته و معتقد و پای بند به اصول اسلامی است در حال حاضر سرگرم تصحیح پارهای از آثار عرفانی است و برخی از آثار خود را به بنده اهدا کرد .

در استانبول يك معهد عالی بنام دارالحدیث وجود دارد که فرصت زیارت آن دست نداد . در آنکارا دانشکده الهیاتی تأسیس کرده اند که علمای دین و ائمه مساجد در آن دانشکده درس میخوانند و بعداً متصدی امور مذهبی میشوند این تأسیسات خیلی جدید است و از مدارس قدیم و روش تعلیم و تعلم دوران گذشته چیزی بجای نمانده است مگر دروسی پراکنده و غیر رسمی در برخی از مساجد و تکایا که توسط شیوخ و علمای پیرمرد و مسن که هنوز در قید حیات هستند به جوانان آموخته میشود .

در ترکیه يك وزارتخانه جهت امور دینی و اداره مساجد وجود دارد و این وزارتخانه دارای شورای عالی است از علمای دینی و مناصب مهم دینی بانظر آن شورا به اشخاص و افراد میشود . وزیر امور دینی فعلاً دکتری است از نسل جدید و از فارغ التحصیلان دانشکده شریعت آنکارا .

در قاهره با برخی از دانشجویان ترك که در دانشگاه الازهر و سایر دانشگاهها تحصیل میکنند آشنا شدم آنان عموماً به زبان عربی سخن میگویند و شبی از شبها در مسجد امام حسین قاهره یکی از آنان بامن تماس گرفت و راجع به شیعه و تاریخ و عقائد آنان از من سؤالهایی کرد .

از جمله این دانشجویان آقای دکتر مقداد یاچن اهل انطاکیه است که سالهای سال در رواق اترک واقع در جواز جامع ازهر مانند يك طلبة جدی



معتکف و سرگرم طالب علم دین است و اینک در چند رشته فارغ التحصیل شده و تالیفات گرانبهایی به زبان فصیح عربی به چاپ رسانیده است و گاهی سخنرانیهای عبرتی ایراد مینماید وی از عقل و انصاف و واقع بینی خاصی برخوردار است و در نزاکت و اخلاق و عفت آیتی است، شرح ملاقاتها و گفتگوهای خود را با این مرد که در آینده باتأیید الهی نقش مهمی در بیان و نشر حقائق اسلام در ترکیه بعهدده خواهد داشت انشاء الله در خاطرات قاهره خواهم نوشت.

در اینجا به مناسبت از قول این دانشمند مطلبی راجع به تشکیلات دینی در ترکیه نقل میکنم. وی میگفت بنابر احصائیه اخیر در سراسر ترکیه هشتاد هزار مسجد وجود دارد از این مساجد در حدود سی هزار دارای امام و خطیب است که برخی از آنان درس خوانده و فارغ التحصیل دانشکده شریعت اند و برخی از بقایای طلاب قدیم و یا اصولاً بهره و حظی از معلومات صحیح دینی ندارند اینک وزارت امور دینی ب فکر تربیت پنجاه هزار عالم و پیشوای دینی جهت بقیه مساجد است.

مساجد، در استانبول معمور و دارای نمازگزار است روز جمعه ای در مسجد بایزید در نماز جمعه شرکت کردم. شبستان بزرگ مسجد تقریباً مملو از جمعیت شد قبلاً آیتانی از کلام الله مجید با آهنگ و لهجه عربی قرائت گردید و گوینده ای بر منبر کوتاه وسط مسجد به وعظ پرداخت و بعداً اذان گفتند، درست مقارن آغاز اذان خطیب از کنار منبر بزرگ برخاست و پارا به پناه اول منبر گذاشت و بسیار باتانی همراه فقرات اذان بالا میرفت بطوریکه در پایان اذان به پناه ماقبل آخر رسید. این خصوصیت را بنده در سایر بلاد ندیدم در جاهای دیگر معمولاً پس از اتمام اذان خطیب به منبر صعود میکند، بهر حال خطیب همانجا ایستاد و از روی نوشته ابتداء به زبان و لهجه عربی فصیح و بلیغ و سپس به ترکی خطبه خواند، مضمون خطبه مزایای قوانین اسلام و هماهنگی آن با علوم و مقتضیات عصر بود، و پس از نشستن لحظه ای به خطبه دوم که علی الرسم موعظه و تذکره تقوی است برخاست و در پایان با آهنگ بلند و بالهجه عربی این آیه مبارکه را تلاوت کرد.

«ان الله يأمر بالعدل والاحسان وابتاء ذی القربى وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى يعظکم لعلکم تذكرون» .

امام ، جوان و مردی چهل ساله بنظر میرسید عمامه سفید نسبهٔ بزرگ که عبارت از شال سفیدی پیچیده بر فنیهٔ سرخ بود به سر و پالتو بلندی باشلوار برتن داشت ریش وی تراشیده و کراوات بسته بود .

روی هم رفته مردم مؤدب و باتوجه بودند و میان نمازگزاران مرد و زن جوان خیلی به چشم میخورد ، زنها در غرفه‌های عقب مسجد بافاصله از مردها و بابدن پوشیده و روی باز ایستاده بودند . در مساجد دیگر گاهی ائمه جماعت مسن باریش‌های سفید بلند که طبعاً بقایای نسل گذشته هستند دیده میشدند کما اینکه در صفوف اول ، غالباً پیرمردها باشال سفید می‌ایستادند و این افراد بطور منظم قبل از وقت بااهتمام خاص بسوی مسجد میشتافتند و بنده چنین تصور کردم که همین افراد ثابت‌قدم در دوران فترت ، حلقهٔ اتصال نسل جدید بانسل قدیم بوده‌اند و اگر پایداری آنان نبود چه‌بسا الآن ترکیه از لحاظ مذهبی وضع دیگری داشت . پیرزن بسیار موقر و باشخصیتی را بالباس بلند و عینک به چشم مکرراً هنگام نماز به سمت مسجد سلطان احمد روان می‌دیدم که آثار تقوی و تصلب در دین از وجنات وی نمایان بود .

در همین مسجد سلطان احمد که ظاهر آبرزگترین مساجد استانبول است ، امام مسجد پیرمردی بود با ریش بلند جوگندی ، و اتاق مخصوصی در داخل شبستان داشت ، پس از نماز داخل اتاق خود شد و لباسهای خود را عوض کرد و با یک پالتو ژولیده عاریتی مانند و کلاه پارچه‌ای از مسجد خارج گردید در حالیکه در تمام این مدت جوان شیک‌پوش و مؤدب و خوش‌قیافه‌ای با حالت احترام در دنبال وی در حرکت بود بنده با امام تماس گرفتم و فقط پس از احوالپرسی گفت از ایران هستید؟ گفتم بلی ، گفت: ماشاءالله و مثل کسی که از تماس با دیگران اجتناب بورزد به‌راه خود ادامه داد .

در ترکیه ائمه جماعت و خطبا معمولاً قرآن را با آهنگ خوش بلهجهٔ عربی

می‌خوانند و تمام یا بخش مهمی از قرآن را از حفظ هستند و نیز به عربی فصیح می‌توانند صحبت کنند .

در مسجد شهزاده واقع در کنار میدان بزرگ وسط شهر که در دست تعمیر بود جایی برای کودکان و نوجوانان وجود داشت که زیر نظر معلمی، قرائت قرآن و نماز می‌آموختند و من شاهد بودم که شاگرد، سلام نماز را تکرار می‌کرد و استاد مقید بود که وی سلام را با لهجه عربی تلفظ کند، معلم بر کرسی نشسته بود و شاگردان روی فرش به دور وی حلقه زده بودند .

در هر حال، در ترکیه نهضت و جنب و جوش دینی بسیار قوی به چشم می‌خورد و حقیقت را بگویم که من بر حسب مسموعات چنین انتظاری از ترکیه نداشتم . اینجانب طول و عرض ترکیه را از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب با قطار و اتوبوس پیمودم دهات و شهرهای بین راه عموماً دارای مساجد مجلل با مناره‌های بلند بود که خیالی از آنها نوساز بنظر میرسید، بطوریکه آقای دکتر داوی می‌گفت مردم اقبال عجیبی به ساختن مساجد و تجدید حیات دینی نشان می‌دهند و دولت نیز بآنان کمک می‌کند .

در بازار کتاب فروشها واقع در جوار مسجد بایزید و در اطراف مساجد دیگر، کتابهای دینی عربی و ترکی فروخته می‌شود و بطوریکه احساس می‌شد یک نوع تلاش و فعالیت حاد مذهبی و افکاری تند از نوع افکار اخوان المسلمین مصر در ترکیه وجود دارد .

شب بیست و هفتم ماه رجب که معمولاً در ایران و در مجتمعات شیعی آنرا بعنوان مبعث رسول اکرم جشن می‌گیرند در ترکیه و در کلیه کشورهای اهل سنت، در این شب، بعنوان لیلۃ الأسراء (شب معراج) مراسمی در مساجد برپاست . من آن شب در مسجد سلطان احمد حاضر شدم، مردم به نماز و راز و نیاز اشتغال داشتند و مسجد را آئین بسته بودند، نماز عشا به جماعت برگزار شد و بعداً مراسم رسمی آغاز گردید، ابتدا قاری به منبر نشست و قرآن تلاوت کرد بعداً چند تن پی‌درپی به منبر برآمدند و مدایحی بعربی و ترکی با آهنگ، در وصف رسول اکرم خواندند .

این افراد جوان بودند و با موی سر و ریش تراشیده عمامه‌ای بر سر داشتند که معلوم بود در همان حال بطور موقت آنرا به سر بسته‌اند و زلف‌هایشان از زیر عمامه دیده می‌شد. در این هنگام شخص دیگری با همین قیافه به منبر رفت و بترکی سخن می‌گفت اما بسیار داغ، مردم را به احکام اجتماعی اسلام دعوت می‌کرد و در اثنا می‌گفت: اسلام اراده د، اسلام نهضت د، اسلام حرکت د، اسلام قیام د و از این قبیل سخنان و هنوز سخن وی پایان نیافته بود که ظاهراً با اشاره کسی از منبر بزیر آمد. آنگاه امام مسجد که قبلاً او را توصیف کردم به منبر برآمد و موعظه بلیغی به زبان ترکی ایراد کرد و در اثنا آیات و احادیث را به عربی می‌خواند. این مراسم تا پاسی از شب ادامه داشت و قسمت اعظم شبستان را جمعیت فرا گرفته بود که در بین، عوض بدل می‌شدند.

در کوچه‌ها و میدانها و سرگذرهای استانبول سقاخانه‌های مجلل و زیبا زیاد است و گویا یکی از سنن و رسوم دیرین دوران عثمانی این بوده که اعیان و اشراف و ثروتمندان بنام خود سقاخانه بسازند. این سقاخانه‌ها غالباً دارای کتیبه‌هایی است از نثر و نظم به زبان ترکی و فارسی و عربی. کلمات فارسی در نوشته‌های ترکی این کتیبه‌ها بقدری زیاد است که حتی کسی که ترکی نمی‌داند بطور اجمال از آنها چیزی می‌فهمد. غالباً کتیبه‌ها روی سنگ مرمر سفید بطور برجسته با خط نستعلیق زیبا حکاکی شده و گاهی بر کاشی نقش بسته است، ماده تاریخ بیشتر آن‌ها غالباً آب زمزم را دربر دارد و اگر کسی حوصله کند و آن نوشته‌ها را از سقاخانه‌ها و درودیوار برخی از مساجد و مدارس گردآورد مجموعه قابل توجهی حتی از لحاظ ادب فارسی فراهم خواهد شد.

نکته قابل توجه و تأسف آور اینست که اهالی فعلاً هیچ آشنائی و توجهی به این کتیبه‌ها ندارند زیرا با آن خطوط بیگانه‌اند حتی اگر به بینند کسی ایستاده و آن نقوش را مطالعه می‌کند متعجب می‌شوند که مگر نوشته‌ای در آنجا هست که قابل خواندن باشد؟! .

در میدان بایزید در نقطه مرتفعی که از اطراف به سطح میدان پله می‌خورد

سردر مرتفع و بسیار مجالی نمایان است که با خط طلائی روی کاشی برپیشانی آن نوشته اند: «الإدارة العسكرية» و این سردر که قبلاً مدخل عسکر خانه و جایگاه سپاهیان بوده است فعلاً مدخل دانشگاه است و ظاهراً فقط دانشکده پزشکی در آن جاست و پس از گذشتن از آن، بلوار دراز زیبا و مشجری را باید طی کرد تا برسد به ساختمان دانشگاه، ولی مردم باین نوشته و سابقه آن ابدأ توجهی ندارند من فکرمی کنم حتی يك نفر از آنهمه دانشجو که هر روز از زیر آن سردر داخل و خارج می شوند ندانند که بر فراز آن چه نوشته و یادگار چه عهدی است و همین است حال و وضع آنان نسبت به کتب چاپی و خطی دوران پیش از انقلاب. و این است سرنوشت ملتی که يك مرتبه تاریخ و فرهنگ چند صدساله خود را رهاسازد و خط خود را تغییر دهد. فاعتبروا یا اولی الأبصار .

این را هم ناگفته نگذارم که بسیاری از مساجد و ابنیه قدیمی و قبرستانها و سقاخانه ها هنگام خیابان کشی در مسیر کنار خیابان قرار گرفته بطور غیر مرتب جاو عقب، و دگرگونی و قناصهائی در آن ایجاد کرده است لیکن آنها را بهمان وضع باقی گذاشته و ویران نکرده اند .

بنده هر روز چندنوبت پیاده از خیابان فاصل میان میدان سلطان احمد و میدان بایزید که کتابخانه سایمانیه و دانشگاه در مجاورت آن قرار داشت رفت و آمد می کردم و این جاو آمدگی های خیابان که گاهی بکای پیاده رو را قطع می کرد نظر بنده را جاب می نمود، در این خیابان اتوبوسهای برقی در رفت و آمد بودند و همه ایستگاهها مملو بود از زن و مرد جوان و پسر و دختر نیمه عریان پری روی و سیمین تن که در عین حال مؤدب و بی اعتنا به پسرها بودند و مردها هم اصراری در چشم چرانی نداشتند، و مثل اینکه وضع برای آنان عادی می نمود .

### شیعه در ترکیه :

مذهب عامه مردم ترکیه حنفی است و این همان مذهب رسمی خلفای عثمانی بوده است و بهمین علت بیش از مذاهب دیگر اهل سنت در کشورهای اسلامی

پیرو دارد، اما يك اقلیت قابل توجهی هم از فرق مختلف شیعه در ترکیه وجود دارد، در حدود پنجاه هزار شیعه اثناعشری در استانبول زندگی می‌کنند که عده‌ای از آنان اصلاً ایرانی می‌باشند آنان مسجد و اجتماعاتی دارند و با ایران مرتبط‌اند، غالباً امام مسجد ایرانی است. در حال حاضر آقای دکتر ثقة الاسلامی از طرف ایران متصدی امور مذهبی آنان است.

در شهرهای هم‌مرز عراق و سوریه فرقی بنام شیعه هستند، قسمت مهم آنان از طایفه علویین سوریه‌اند که بعداً درباره‌ی آنان سخن خواهیم گفت. تعداد این فرقه در ترکیه به چند میلیون می‌رسد و ظاهراً علی‌اللّهی هستند و آنان را قزلباش می‌نامند. آقای دکتر مقداد یالچن می‌گفت در انطاکیه چند نوع عقیده در میان شیعیان وجود دارد و عده‌ای از این فریق بکلی منکر نماز هستند و یکی از پیشوایان آنان کتابی در باب عدم وجوب نماز نوشته است که اینک عده‌ای از آنان معتقد هستند که جبرئیل می‌بایست به‌علی نازل می‌شد ولی خیانت کرد و بر محمد نازل گردید ظاهراً این شایعه همراه جماعه «خان‌الامین» از این فرقه کوچک گمنام، در سراسر کشورهای مصر و شمال آفریقا نسبت به عموم شیعه شیوع یافته است. بنده مکرراً در این کشورها می‌شنیدم که مردم راجع به شیعه چنین عقیده‌ای دارند و حتی این عقیده به‌علما هم سرایت کرده است و من در شگفت بودم که اصولاً کدام فرقه از فریق شیعه چنین خرافتی را قبول دارند و به چه وسیله چنین توهشی درباره‌ی شیعه انتشار یافته است؟ پس از اطلاع از وجود چنین فرقه‌ای در ترکیه مشکل را پیش خود چنین حل کردم که علما و متصدیان امور دولت در ترکیه چنین خرافتی را در آنجا شنیده‌اند و بدون تحقیق در صحت و سقم آن و اینکه کدام فرقه از شیعه چنین می‌پندارند آن را در سراسر امپراطوری عثمانی نسبت به‌عامه شیعه نشر داده‌اند. این قبیل مسائل طی خاطرات آینده انشاءالله بتفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت. در اینجا ترکیه را پشت‌سر می‌گذاریم و به سوریه و لبنان می‌رویم.